

## قصه‌های فرعی «پایتخت» را حفظ کردند



احمد محمد اسماعیل یکی از چالش‌های اساسی سریال‌هایی که دنباله‌دار هستند و بر اساس اقبال مخاطب تولید می‌شوند بحث تولید محتوای جدید و دوری از نگاه کلیشه‌ای است.

مشکلی که در دو قسمت پایانی سریال «نون خ» گریبان‌گیر سعید آقاخانی شد و دو قسمت پایانی این سریال یک شکست برای سازندگان بود.

مجموعه جدید «پایتخت» بعد از غیبت چند ساله از تلویزیون در نوروز امسال رونمایی شد و البته شاهد تغییراتی در عوامل پشت دوربین بودیم خصوصاً در بخش طراحی هنری (شامل لباس و صحنه) که کار به دو حرفه‌ای این بخش مثل سارا سمیعی سپرده شد و نقش محسن تنابنده به عنوان کارگردان پررنگ‌تر و نامش به عنوان کارگردان هنری در تیتراژ قید شد.

شروع سریال با گره تازه برای نقی (ناشناوا شدنش) آغاز و تلاش شد روی این موقعیت در چند قسمت سریال متمرکز و موقعیت‌های طنزی ایجاد شود که چندان موفق نبود (مثل صحنه فرار گراز وحشی در بازار) و برخوردش با نقی که به دلیل ضعف ساختاری جلوه‌های ویژه چندان موفق نبود.

چالش دیگر پایتخت تأکید دوباره به شوخی‌های امتحان پس داده قسمت‌های قبلی بود مثل ماجرای خواستگاری‌های مکرر نقی از زنان قبل از ازدواج باهما.

یا تأکید مکرر روی فیزیک بدنی بازیگران به خصوص درباره پسر فهیمه و یا تأکید دوباره روی سوتفاهم علاقه و خواستگاری رحمت از فهیمه که باز هم در قسمت پایتخت مورد استفاده قرار گرفته شده است. موقعیت‌هایی که از فرط تکرار جذابیت‌هایشان را از دست داده‌اند.

در بخش ورود شخصیت‌های جدید به داستان مجموعه هم با شخصیت‌پردازی جذابی مواجه نیستیم و رو نمایی از شخصیت شری زن جدید ارسطو چندان هماهنگی با سایر شخصیت‌های مجموعه ندارد. تأکید روی اصفهانی بودن و استفاده از لهجه و خاص بودن این زن (قصدهش برای سفر به مریخ) چندان ویژگی مهمی ندارد. البته نویسنده با ایجاد قصه‌های فرعی مثل اصابت شهاب سنگ به خانه نقی و زمین گرفتن توسط نقی به واسطه ناشنوایی‌اش و تقابل دوباره نقی با ارسطو و مراسم معارفه شری با خانواده نقی و لو دادن شنوایی بودن او توانسته تا حدی جریان «پایتخت» را برای مخاطب حفظ کند.



### سریال «مرهم»: ملودرام اجتماعی زنانه در سایه روحانیون

به نوعی نخ تسبیح اتفاقاتی است که در سریال رخ می‌دهد. او از منظر شخصیتی متفاوت از جامعه مذهبی و روحانی، در مسیر جستجوی خود، با موانع و شگفتی‌های غیرمنتظره‌ای روبرو می‌شود که او را به تفکر وامی‌دارند و باعث می‌شود تا نگاهی عمیق‌تر به زندگی و روابط انسانی بیندازد. سریال با تمرکز بر زندگی چند خانواده طلبه و خرده‌داستان‌هایی از هر خانواده به تفاوت و تضادهایی که در ذهن مخاطب از این طبقه اجتماعی است پاسخ می‌دهد. در واقع همه کاراکترهای این مجموعه با خرده‌روایت‌هایشان داستان را پیش می‌برند و به فراخور قصه اصلی، به بهانه زندگی هر کدام روی موضوعی اخلاقی یا اجتماعی دست گذاشته شده است تا جزئیات بیشتری از سستی‌های زندگی طلبگی و همسر طلبه بودن را ببینیم. طبقه‌ای که رنگ خاکستری به خود گرفته و با نقد رفتارهای طلبگی و وجه مثبت و منفی این طبقه را بیان می‌کند. فساد و زندگی تجملی برخی روحانیون در مقابل طلبه‌های ساده‌زیست، احترام به همسر و فرزندان و رعایت حق همسایگی و... بخشی از موضوعات این سریال است که تصویری واقع‌گرایانه همراه با نقد به آن اعتبار بخشیده است.

وقتی قرار است قصه‌ای بر پایه زندگی روحانیون روایت شود، اینکه چگونه روایت شود که بیننده دوست داشته باشد اهمیت پیدا می‌کند چرا که نمایش شخصیت روحانی در سریال‌ها سستی‌های خاص خود را دارد؛ از یک سو با توجه به حساسیت روی کسوت روحانیت، نمایش چنین شخصیتی به گونه‌ای که باعث اعتراض و انتقاد نشود، ظرافت‌های خاصی می‌طلبد و شاید داشتن شخصیت روحانی در سریال باعث ایجاد محدودیت‌های ژانری نیز شود. شبکه دو در رمضان ۱۴۰۴ سریال «مرهم» به کارگردانی محمدرضا آهنج و تهیه‌کنندگی پرویز امیری و سیدسجاد قافله‌باشی را که یک ملودرام اجتماعی و زنانه است روی آنتن برد و مورد استقبال هم قرار گرفت. «مرهم» که در نگاه کلی به زندگی همسران روحانیون و چالش‌های آنان در زندگی می‌پردازد. سریال تلاش می‌کند تصویری واقع‌گرایانه از زنانی ارائه دهد که در غیاب همسرانشان بار مسئولیت خانواده را بر دوش دارند. داستان سریال به بهانه زندگی منیژه که بعد از سال‌ها دوری به امید یافتن گمشده‌اش به کشور برگشته وارد زندگی روحانیون و سبک زندگی آنان شده نقیبی هم به مشکلات اقتصادی، فرهنگی و قضاوت اجتماعی می‌زند. شخصیت منیژه

### سریال «مرز»: در آستانه تحول، پشت مرزها

رخ می‌دهد و بهانه‌ای برای روایت قصه در مرز شمالی کشور است. وقتی صحبت از سریال مناسبی برای شب قدر می‌شود ذهن به سمت موضوعی مذهبی با تحول و تنبه فردی و استغفار و... می‌رود اما سریال «مرز» با معنوبیتی از جنس متفاوت با کارهای مناسبی قدر با دربرگیری معنویت، بخشش، عدالت و حقیقت‌تلاش کرد فراتر از کار صرفاً مناسبی از شعار دوری کند. به نوعی به روابط پدر و دختر بپردازد و نشان دهد که ارتباط درست با والدین چقدر می‌تواند در زندگی آنها و تصمیم‌گیری‌هایشان مؤثر باشد. فرهاد قائمیان، علیرضا جعفری و مهسا طهماسبی، چهره‌هایی هستند که در این اثر به نقش آفرینی پرداخته‌اند. سیدجمال سیدحاتمی که چندی پیش با سریال «همیار عیار» توانایی خود را در کارگردانی نشان داده بود در این اثر، مرزهای بین تاریکی و نور را به تصویر می‌کشد و به این نکته اشاره می‌کند که انسان چگونه می‌تواند از مرزی که برای خود در نظر گرفته فاصله بگیرد و از موانع عبور کند؟

مینوی سریال ۶ قسمتی «مرز» با کارگردانی سیدجمال سیدحاتمی و تهیه‌کنندگی بهروز مفید در شب‌های قدر از شبکه سه سیما پخش شد. داستان سریال حول تحول معنوی شخصیتی به نام حبیب رقم می‌خورد. قهرمان سریال، حبیب با بازی فرهاد قائمیان که گذشته تاریکی دارد و اهل بزه بوده، است. اما حبیب یک ویژگی بزرگ داشته و به قول هم‌رده‌های خود، حتی در بزه هم یک مرام و مرزهایی را رعایت می‌کرده است. یعنی به هر قیمت تن به هر کار نمی‌داده است. شاید آن حیایی که داشت، در نهایت باعث عاقبت بخیر شدن او می‌شود. حبیب بر اثر یک اتفاق دچار تغییراتی در فضای زندگی خود می‌شود و به مرور به یک تحول می‌رسد. قصه مرز سوبه دیگری هم دارد که مربوط به قصه حبیب و دخترش است و نسل جدید و جوانی که اگر کمی با بی‌مهری والدین روبرو شوند، شاهد مشکلاتی می‌شوند. «مرز» ترکیبی از مسائل مختلف اجتماعی و خانوادگی است که در فضای سرسبز شمال ایران قصه‌اش

### سریال «بدل»: یک قصه خانوادگی

مسافرت خارجی، با چالش‌های متفاوتی رو به رو شده‌اند که با لحن طنز به مشکلات و مسائل این خانواده پرداخته می‌شود. مسعودی پیش از این، سریال‌های «آخر خط» و «نوروز رنگی» را تقریباً با چنین فضایی برای تلویزیون کارگردانی کرده مورد توجه مخاطبان بسیاری هم قرار گرفت اما این سریال در حد متوسطی از کارهای این کارگردان جا گرفت. علیرضا مسعودی که با نام علی مشهدی هم شناخته شده از فرصت استفاده کرده، اثرش را به مشهد برده و بخش‌هایی از آن را در صحن حرم امام رضا (ع) ضبط کرده است. سریال در مقطعی به دلیل شباهت نام خانواده عطاران با رضا عطاران مورد نقد قرار گرفت اما این موضوع دستمایه پیش رفتن قصه شد. شهرام قائدی در نقش مسلم پدر خانواده، پریسا مقتدی در نقش مادر خانواده با سه فرزند تلاش می‌کنند فرزندان‌شان خصوصاً پسر بزرگ‌شان رضا با بازی عرفان آصفی به سروسامان برسند. سریال بدل در ۱۸ قسمت روی آنتن رفت و به دلیل زمان پخش توانست مخاطبان را با خود همراه کند.

سال‌ها پیش سریال‌های رضانی بیشتر با درونمایه طنز روی آنتن می‌رفت و مخاطب به یاد دارد که سریال‌های خوشنام رضا عطاران مانند «بزنگاه»، «متهم گریخت» و «خانه به‌دوش» در ماه رمضان ماندگار شد. امسال نیز سریال «بدل» در فضای کمدی تلاش کرد آن خاطرات را زنده کند و در کنار دو سریال ملودرام اجتماعی مخاطب را در فضای مفرحی قرار دهد. سریال «بدل» به کارگردانی علیرضا مسعودی و تهیه‌کنندگی رضا نصیری که در بهار ۱۴۰۳ روی آنتن شبکه سه رفت، پس از چند قسمت ابتدایی، به دلیل حادثه سقوط بالگرد رئیس‌جمهور و اعلام عزای عمومی، از جدول پخش خارج شد و پس از وقفه یک ساله به آنتن رضانی بازگشت. این اثر در حال و هوای آثار قبلی علیرضا مسعودی، بر موقعیت و کلام کمدی سوار است و قصه‌اش حول محور یک خانواده و مناسبات آنها با هم‌محله‌ای‌های‌شان می‌گذرد. خانواده‌ای که شغل عطاری را از جدشان به ارث برده‌اند و ادامه می‌دهند، اما در این زمان با بازگشت پسرشان از